



پنجشنبه 14 بهمن 1395 - 4 جمادی الاول 1438 - 2 فوریه 2017

محیطی که پس از سرکوبی مخالفان دولت محمد ساعد نخست وزیر محمد رضا پهلوی در کشور فراهم شده بود...

امضاء، قرارداد نفت، گس - گلشایان، بن، ابدان و انگلستان (1327 ش)

محیطی که پس از سرکوبی مخالفان دولت محمد ساعد نخست وزیر محمد رضا پهلوی در کشور فراهم شده بود، به نظر عوامل انگلیس، برای حل مسأله نفت و تحکیم نیروی استعماری آن دولت مناسب بود، زیرا اکثریت مجلس از نظر دولت وقت حمایت می کردند، بسیاری از مخالفین مرعوب شده بودند و رهبر روحانی مردم، آیت الله کاشانی، در تبعید بود. بنابراین، مجلس پانزدهم در صدد بود که خدمت خود را در جهت تثبیت غارتگری انگلیس انجام دهد. به همین مناسبت، هیئت نمایندگی شرکت نفت انگلیس و ایران به ریاست گس وارد تهران شد و قرارداد الحاقی گس - گلشایان با مذاکراتی تنظیم گردید که ادامه حضور انگلستان را توجیه می کرد. این لایحه با شتابزدگی تمام در حالی که بیش از چند روز از عمر مجلس پانزدهم باقی نمانده بود، به امید این که هیچ نیروی مخالفی وجود نخواهد داشت با قید دوفوریت تقدیم مجلس گردید. اما با وجود اصرار دربار و دولت، اقلیت مجلس با پشتیبانی افکار عمومی و با نطق های مفصل، وقت مجلس را گرفتند و مانع تصویب آن شدند. این قرارداد در جریان دولت های بعد، محل اختلاف بود تا این که در جریان ملی شدن صنعت نفت ایران در 29 اسفند 1329 ش، ملغی گردید.

تشریح مواضع آینده نظام اسلامی توسط حضرت امام خمینی (ره) (1357 ش) در حالی که جشن و سرور مردم به مناسبت ورود حضرت امام خمینی (ره) به ایران، همچنان در سراسر کشور ادامه داشت، آن حضرت در يك مصاحبه مطبوعاتی که نزدیک به سیصد خبرنگار ایرانی و خارجی از کشورهای آمریکای لاتین، آفریقا، اروپا و کشورهای عربی و آسیا حضور داشتند، به تشریح مواضع آینده نظام اسلامی ایران پرداختند و اعلام کردند که به زودی دولت موقت انقلاب را تشکیل خواهند داد. ایشان اظهار داشتند که دولت موقت موظف است مقدمات همه پرسی را فراهم کند تا پس از تدوین قانون اساسی، آن را به همه پرسی بگذارد. امام خمینی همچنین به دولت بختیار، نخست وزیر دست نشانده شاه، هشدار دادند که در صورت ادامه سرکوب مردم، ایشان حکم جهاد خواهند داد. امام همچنین از ارتش خواست تا به مردم بپیوندند. از طرف دیگر اعلام شد که تا آن زمان، 35 هزار آمریکایی، خاک ایران را ترک کرده اند و ده هزار نفر دیگر نیز به زودی از ایران خارج می شوند.

رحلت عالم نستوه آیت الله "شیخ عبدالرسول قائمی" (1372 ش) آیت الله شیخ عبدالرسول قائمی در سال 1275 ش (1316 ق) در یکی از روستاهای توابع اصفهان دیده به جهان گشود. پس از پشت سر گذاشتن دوران کودکی و نوجوانی، به عشق تحصیل علوم دینی، به حوزه علمیه اصفهان شتافت و پس از سالیانی راهی حوزه نجف شد. آیت الله قائمی در نجف از محضر آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی استفاده برد و پس از چند سال به حکم ایشان برای مقابله با تبلیغات ضد کمونیستی و بهایی ها به آبادان رفت. وی در این راه تا پایان زندگی خویش از هیچ کوششی دریغ ننمود و به تأسیس حوزه علمیه آبادان، پرورشگاه ایتم، بنای چند مسجد و نیز کانون فرهنگی دینی دختران همت گماشت. ایشان قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، نقطه اتکای مبارزان و مجاهدان بود و بسیاری از کسانی که تحت تعقیب رژیم ستمشاهی بودند، توسط وی از کشور خارج می شدند. آیت الله قائمی که از ناحیه مراجع بزرگی همچون سید ابوالحسن اصفهانی، سید حسین بروجردي، سید محسن حکیم، سید ابوالقاسم خویی، سید محمدرضا گلپایگانی و حضرت امام خمینی دارای نمایندگی تام الاختیار بود، در سال 1360 ش به اصفهان کوچید و به ارشاد و هدایت مردم پرداخت. این عالم بزرگوار سرانجام پس از عمری سرشار از توفیق و خدمات بزرگ دینی در 14 بهمن 1372 برابر با 21 شعبان 1414 ق در 97 سالگی چشم از جهان فرو بست و در صحن مطهر حرم حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.

آیت الله العظمی خمینی طی مصاحبه ای با خبرنگاران خارجی و داخلی نقطه نظرهای خودشان را بیان کردند و فرمودند: (1357 ش) بسم الله الرحمن الرحيم. من سلطنت شاه را قانونی نمی دانم. رژیم سلطنتی از اول غیرقانونی بود. مجلس مؤسسان به زور تأسیس شد و به این ترتیب رژیم شاه از اول جنبه قانونی نداشت. ما این دولت را نمی توانیم بپذیریم. ملت ایران رأی بر سقوط سلطنت داده است. بنابراین ما نه مجلس را قبول داریم و نه حکومت را قانونی می دانیم. باید دولت کنار برود. شورای انقلاب حکومت تعیین خواهد شد و حکومت موقت موظف خواهد بود که مقدمات رفاندوم را تهیه کند. قانون اساسی که تدوین شده به آراء عمومی گذاشته می شو که اگر مردم قبول کردند رژیم جمهوری و قانون جمهوری خواهد بود. من اعلام می کنم که دولت فعلی غاصب است و غیرقانونی است و اگر زیاده تر از این لجاجت کنند، مسئول خواهند بود. آیت الله خمینی در پاسخ سؤالات خبرنگاران گفتند: بختیار را در صورتی می پذیرم که استعفا بدهد. در موقعی دیگر نتوانیم راه حل مسالمت آمیز پیدا کنیم و من باید نصیحت کنم که دولت غاصب کاری نکند که مجبور شویم مردم را به جهاد دعوت کنیم. ما از ارتش می خواهیم هرچه زودتر به ما متصل شوند. ما می خواهیم ارتش مستقل باشد و از قید اجانب خارج شود. آزاد شود. آنها فرزندان ما هستند ما به آنها محبت داریم باید به دامن ملت بیایند. ارتش و ملت از همدیگر هستند. ارتش باید از دولت غاصب کنار برود تا مردم تکلیفشان را با او معین کنند. ما برای اقلیت های مذهبی احترام قائل هستیم. تمام اتباع خارجی در ایران به طور آزاد زندگی خواهند کرد. نظر من راجع به رادیو و تلویزیون و مطبوعات اینست که در خدمت ملت باشد. دولت ها حق هیچ نظارت ندارند.

امضای معاهده تاریخی برلن برای سرکوبی انقلابیون فرانسه (1793م) در دوم فوریه 1793م، معاهده تاریخی برلین میان امپراتور اتریش و پادشاه پروس به امضا رسید. این معاهده، نتیجه توافقی بود که میان این دو زمامدار اروپایی در اوت 1791م برای مقابله با انقلاب فرانسه حاصل شده بود. زیرا که سلاطین اروپایی از برخی نظرات آزادیخواهانه انقلاب فرانسه به وحشت افتاده بودند. با وجود انعقاد این معاهده و حمله اتریش، پروس و همچنین انگلیس به فرانسه و حمایت از سلطنت طلبان این کشور، این تحرکات به نتیجه نرسید و انقلابیون فرانسه به پیروزی دست یافتند.

مرگ "برتراند راسل" نویسنده و فیلسوف شهیر انگلیسی (1970م) برتراند آرتور ویلیام راسل فیلسوف معروف انگلیسی در 18 مه 1872م در انگلستان به دنیا آمد و زبان‌های فرانسه و آلمانی را در خانه فرا گرفت. وی در 18 سالگی وارد دانشگاه کمبریج شد و با درجه ممتاز در رشته فلسفه فارغ التحصیل گردید. این در حالی بود که وی به کلی از اعتقاد به مسیحیت دست کشیده بود. او در این هنگام به مطالعه درباره مکاتب فکری مختلف پرداخت و هم‌زمان به فعالیت‌های سیاسی نیز مشغول شد. راسل در سال 1903م کتاب اصول ریاضیات را نگاشت که در آن ثابت می‌کرد ریاضیات قسمتی از علم منطق است. این کتاب توجه تمام متفکران معاصر را به خود جلب کرد و راسل را به شهرت رساند. وی در جریان جنگ جهانی اول، با جنگ به مخالفت پرداخت و پس از نگارش مقاله‌ای در این زمینه، از تدریس در دانشگاه محروم شد. با این حال در جنگ جهانی دوم، اعمال قدرت در مناسبات با آلمان نازی را تجویز نمود و به دلیل طرفداری از خلع سلاح جهانی و هسته‌ای، به دفعات توقیف شد. راسل در تمام زندگی خود، طرفدار آزادی مطلق و نامحدود روابط انسانی و اجتماعی بود و علناً با دین و مذهب مخالفت می‌کرد. او به این نتیجه رسیده بود که اعتقادات مذهبی با علوم جدید ناسازگار و اخلاقیات مسیحی در مواردی نامعقول است. از این رو به مکتب نئورئالیسم که با مذهب و حکمت الهی مخالفت داشت پیوست. راسل معتقد بود که وقتی برای قبول نظریه‌ای، زور و فشار به کار برده می‌شود، معلوم می‌شود که آن نظریه به خودی خود، فاقد قدرت‌های منطقی لازم است و برای جبران این ضعف است که زور و فشار، اعمال می‌گردد. راسل در سال 1950م به دلیل دفاع مداوم از آزادی بشر و افکاری که در آثارش به کثرت یافت می‌شود، به دریافت جایزه ادبیات نوبل مفتخر شد. سال‌های آخر عمر راسل با تشکیل دادگاه جنایات جنگی آمریکا در ویتنام که به نام او، دادگاه راسل خوانده می‌شد و نیز مبارزه با توسعه صنایع هسته‌ای در تسلیحات به ویژه افشای اسرار هسته‌ای انگلیس، از وجهه سیاسی خاصی برخوردار بود. راسل علاوه بر مقالات فلسفی، مطالب بی‌شماری درباره تعلیم و تربیت، سیاست و منطق و فلسفه نگاشته است که تاریخ فلسفه غرب، اخلاق، تصوف و منطق و معماهای فلسفه از آن جمله‌اند. برتراند راسل سرانجام در دوم فوریه 1970م در 98 سالگی درگذشت.